

سلام و درود بر مولانا و آقای شهبازی و دوستان گنج حضوری عزیز

آقای شهبازی از سال نود و هفت توسط دوستم که با هم پیاده‌روی می‌رفتیم، برنامه را به من معرفی کرد. خدا را شکر و سپاس گزارم از همان ماه اول قانون جبران هم معنوی و هم مادی انجام دادم. تا اندازه‌ای تغییر کردم خدا را شکر، خیلی حال خوب شده، داروی فشار مصرف می‌کردم، بعد از سه ماه که با برنامه آشنا شدم خودبه‌خود قطع کردم. ناراحتی قلبی داشتم خدا را شکر خوب شدم و همسرم و پسرانم برنامه را می‌بینند گه‌گاه. آقای شهبازی عزیز یک پسر دارم که متاهل است کمی با ما فاصله دارد، وقتی یک غذایی درست می‌کنم دوست دارم پسرم بیاید همان موقع میاید و من خیلی خوشحال می‌شوم، اول برای این که فهمیدم که وقتی با دل پاک هرچه از خدا بخواهی همان لحظه برایت انجام می‌دهد. و می‌گویم:

از خدا غیر خدا را خواستن  
ظن افزونیست و، کلی کاستن  
- (مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۷۷۳)

هر روزی که برنامه زنده و یا تکرار برنامه باشد، از خدا می‌خواهم که کسی پیشم نیاید و نمی‌آید، تا برنامه را از اول گوش کنم و در آخر چند بیت می‌خوانم و به اشتراک دوستان می‌گذارم.

گر همی خواهی سلامت از ضرر  
چشم زاول بند و پایان را نگر  
- (مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۳۶۰)

گفت: مفتی ضرورت هم تویی  
بی ضرورت گر خوری، مجرم شوی

ور ضرورت هست، هم پرهیز به  
ور خوری، باری ضمان آن بده  
(مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۵۳۰ و ۵۳۱)

آقای شهبازی عزیز واقعاً این بیت که آقای صادق فرمودند با این بیت زندگی می‌کنم، درست گفت. من هم از آن موقع مثنوی را جلوی چشمم باز گذاشتم و هر روز این بیت را چند بار تکرار می‌کنم، خیلی به من کمک می‌کند. هر کاری و هر حرفی می‌خواهم بزنم، می‌گویم آیا ضرورت دارد این را انجام دهیم؟! خیلی به من کمک کرده، خدا را هزاران بار شکر و سپاس گزارم.

ارادتمند شما، شهربانو از رشت  
خدا نگهدارتان باشد ان شاءالله.